

یک طرح آبرسانی، اهالی روستایی کوچک در نطنز را وارد اختلافی تازه کرده است

جدال تقسیم آب در «مِزده»

باغداران می‌گویند تغییر شیوه آبیاری بدون مشورت با ذی‌نفعان انجام شده و به باغ‌ها آسیب زده است

۵

«پیام ما» از گزارش «شورای شهر تهران» درباره تراکم‌های جنگی گزارش می‌دهد

پشت پرده تراکم‌های جنگی تهران

دبیر «شورای عالی شهرسازی و معماری» به «پیام ما» گفت برخی

ظرفیت‌های مصوبه جنگ برای ساختمان‌های با خسارت جزئی هم

استفاده شده است؛ مصوبات حالا در مسیر بازنگری قرار گرفته‌اند

۲

روایتی از یک حفاظتگاه مشارکتی که می‌خواهد خارج از الگوی سنتی از مهم‌ترین گونه حیات وحش ایران حفاظت کند

حفاظت از یوز

بیرون از قاب دولت

دبیر «انجمن صنفی حفاظتگاه‌های خصوصی»:

حفاظت از یوزکنام به این معنا نیست که ما مطالبه‌گری‌مان را برای

حفاظت از سایر زیستگاه‌ها، به‌ویژه پارک ملی توران، کنار می‌گذاریم

۴



روزنامه پیام

قیمت تنها مسئله گندم نیست

اسمیه خدیجی

ارکاشناس ارشد کشاورزی

مسئله خرید تضمینی گندم در ایران دیگر صرفاً بر سر تعیین یک قیمت سالانه نیست، مسئله اصلی این است که آیا سازوکاری که دولت برای تنظیم بازار گندم و حمایت از تولیدکننده طراحی کرده، هنوز با واقعیت اقتصادی مزرعه همخوانی دارد یا نه. پاسخ، دست‌کم با توجه به روند سال‌های اخیر، چندان امیدوارکننده نیست، دولت هر سال نرخ خرید تضمینی را اعلام می‌کند، اما کشاورز پیش از رسیدن محصول به مراکز خرید، بخش عمده هزینه تولید را با قیمت‌های آزاد و متأثر از تورم پرداخت کرده است؛ از بذر کود و سم گرفته تا ماشین‌آلات، سوخت، دستمزد و هزینه تأمین آب. در چنین شرایطی، اگر نرخ تضمینی متناسب با افزایش واقعی هزینه تولید اصلاح نشود، حاشیه سود کشاورز عملاً کوچک‌تر می‌شود. تأخیر در پرداخت مطالبات نیز این شکاف را عمیق‌تر می‌کند. پولی که چند ماه بعد به کشاورز می‌رسد، در اقتصاد تورمی همان ارزش روز تحویل محصول را ندارد. مشکل دوم، شکاف قیمتی میان بازار رسمی داخل و ارزش گندم در بازارهای پیرامونی است. در استان‌های مرزی، هرچه این فاصله بیشتر شود، انگیزه خروج محصول از شبکه رسمی نیز افزایش پیدا می‌کند. اینجاست که واسطه‌ها و شبکه‌های غیررسمی وارد میدان می‌شوند و با پیشنهاد پرداخت نقدی یا قیمت بالاتر، بخشی از محصول را از چرخه خرید دولتی خارج می‌کنند. برخورد انتظامی با این پدیده شاید بخشی از نشتی بازار را مهار کند، اما علت اقتصادی آن را از بین نمی‌برد. خرید تضمینی زمانی کارآمد است که واقعاً «تضمین» ایجاد کند؛ تضمین سود حداقلی برای تولیدکننده، تضمین پرداخت به‌موقع و تضمین ثبات در سیاست‌گذاری. اگر کشاورز هر سال درباره قیمت، زمان پرداخت و آینده بازار تردید داشته باشد، سیاست خرید تضمینی به‌تدریج کارکرد تنظیمی خود را از دست می‌دهد. امنیت غذایی را نمی‌توان با قیمت‌گذاری دستوری و پرداخت‌های دیرهنگام حفظ کرد. گندم زمانی در شبکه رسمی باقی می‌ماند که تولید آن برای کشاورز از نظر اقتصادی قابل دفاع باشد. مسئله اصلی همین‌جاست: دولت نباید میان «خرید ارزان‌تر» و «تداوم تولید» یکی را انتخاب کند؛ سیاست درست باید هر دورا هم‌زمان ممکن کند.



آگهی تمدید مناقصه ۴۰۵/۱۰

مدیریت مخابرات منطقه لرستان در نظر دارد اجرای فیبر SWAP خیابان مدرس تا قاطمی 30-31-32-33-34-35-36-37-38-39-40-41-42-43-44-45-46-47-48-49-50-51-52-53-54-55-56-57-58-59-60-61-62-63-64-65-66-67-68-69-70-71-72-73-74-75-76-77-78-79-80-81-82-83-84-85-86-87-88-89-90-91-92-93-94-95-96-97-98-99-100 مناقصه عمومی اجرا نماید. متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آگهی تمدید مناقصه در سایت‌های شرکت مخابرات ایران به آدرس www.tcl.ir یا مخابرات منطقه لرستان به آدرس LO.TC.IR مراجعه و با شماره تلفن ۰۶۶۳۳۳۰۵۱۸ تماس حاصل نمایند.

مخابرات منطقه لرستان

«پیام ما» از پیامدهای انتشار اطلاعات نادرست و تبلیغات کالا‌های سلامت محور

در شبکه‌های مجازی گزارش می‌دهد

بلای بلاگرهای نسخه‌نویس

تعداد فالوئر، جایگزین صلاحیت علمی

سلامت در شبکه‌های اجتماعی، میان تبلیغات دارو و نسخه‌های بی‌پایه، در معرض بازاری بی‌ضابطه قرار گرفته است. در این بازار به‌رغم ممنوعیت قانونی تبلیغ هر نوع دارو و مواد مشابه، انواع آمپول‌های لاغری و داروهای ترک اعتیاد، درمان‌های ادعایی برای ریزش مو و تقویت قوای جنسی و... از سوی بلاگرها عرضه می‌شود. از سوی دیگر، به گفته «نسیم صادقی»، پزشک و پژوهشگر سلامت، مز میان آموزش و تبلیغ مخدوش شده و «فالوئر» و «شهرت» جای «صلاحیت علمی» را گرفته است؛ مسئله‌ای که می‌تواند به سلامت عمومی جامعه آسیب بزند.

می‌کند و انتظار می‌رود شرکت‌های دارویی پیشکام قانون‌مداری و حفظ سلامت عمومی باشند.»

انتشار اطلاعات نادرست

در تبلیغات موجود در شبکه‌های اجتماعی، علاوه بر تبلیغ و معرفی کالا‌های سلامت، مجموعه‌ای از اطلاعات دارویی، تغذیه‌ای، آرایشی و بهداشتی به کاربران ارائه می‌شود که از نظر پزشکان، بسیاری از آنها نادرست است.

نسیم صادقی، پزشک و دارای دکترای مطالعات اعتیاد، در گفت‌وگو با پیام ما، اطلاعات نادرست منتشرشده در قالب تبلیغات تجاری را خطرناک دانست و گفت: «کافی است چند بار درباره لاغری، ترک اعتیاد، سلامت روان، مکمل‌ها، زیبایی یا یک بیماری خاص جست‌وجو کنیم تا الگوریتم اینستاگرام مجموعه‌ای از محتواهای مشابه را در اکسپلورر به ما پیشنهاد دهد. این محتواها گاهی توسط پزشکان و متخصصان تولید شده‌اند، اما در مواردی نیز از سوی افرادی منتشر می‌شوند که هیچ صلاحیت حرفه‌ای برای ارائه توصیه پزشکی ندارند. مسئله فقط وجود اطلاعات نادرست نیست؛ مسئله زمانی جدی‌تر می‌شود که اطلاعات نادرست در قالب تبلیغات تجاری، با استفاده از اعتماد مخاطب به یک چهره شناخته‌شده و در پوشش تجربه شخصی یا توصیه سلامت، عرضه شود.»

او ادامه داد: «شواهد علمی نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی به یکی از منابع مهم دریافت اطلاعات سلامت تبدیل شده‌اند و محتوای منتشرشده در این فضا می‌تواند بر نگرش و رفتارهای مرتبط با سلامت اثر بگذارد. یک مرور نظام‌مند در PubMed نیز نشان داده است که اطلاعات نادرست سلامت در شبکه‌های اجتماعی گسترده است و موضوعاتی مانند درمان، واکسیناسیون، تغذیه و بیماری‌ها از حوزه‌های پرتکرار آن هستند.» صادقی با اشاره به نقش اینفلوئنسرها در انتشار یا مقابله با این نوع اطلاعات گفت: «مطالعات نشان می‌دهد افراد دارای دنبال‌کننده زیاد می‌توانند بر نگرش‌ها و رفتارهای سلامت مخاطبان خود اثر قابل‌توجهی بگذارند. این اثر لزوماً به معنای منفی بودن نقش اینفلوئنسرها نیست. اتفاقاً اگر افراد دارای نفوذ اجتماعی به منابع علمی معتبر متصل شوند، می‌توانند به ارتقای سواد سلامت کمک کنند. سازمان جهانی بهداشت نیز شبکه‌ای از تولیدکنندگان محتوای سلامت

آبزی‌پروری زیر فشار آب‌بها

مدیرعامل «اتحادیه پرورش دهندگان ماهیان سردابی» از سیاست‌های نامتناسب آب و انرژی در این صنعت می‌گوید

۳

میراث جیرفت

زیر آتش حفران

محوطه‌های «تمدن هلیل رود»

میان حفاری‌های غیرمجاز

و کمبود امکانات حفاظتی

۶

بلای بلاگرهای

نسخه‌نویس

«پیام ما» از پیامدهای انتشار اطلاعات نادرست و تبلیغات کالا‌های سلامت محور در شبکه‌های مجازی گزارش می‌دهد

۱

پدر، وطن

مقاومت

آیین رونمایی کتاب

«به نام پدرم» برگزار شد

۸

دیدگاه

ساحل‌نشینان

میان معیشت و

حفاظت از دریا

افزایش بهره‌وری

حفاظت‌گرا

۴

هویت و صلاحیت صاحبان صفحات و دشواری نظارت بر پلتفرم‌های خارجی سخن گفته و اعلام کرده است که هزاران صفحه مداخله‌گر شناسایی و بخشی از آنها با همکاری دستگاه قضایی مسدود شده‌اند.»

به گفته او، مشکل صرفاً «نبود قانون» نیست، بلکه شکاف اصلی میان قانون، سرعت تولید محتوا و امکان اجرای مؤثر و پیشگیرانه نظارت است: «در فضای اینستاگرام ممکن است یک تبلیغ سلامت در چند ساعت به صدها هزار نفر برسد، درحالی‌که فرایند شناسایی، بررسی علمی، احراز صلاحیت، اعلام تخلف و اقدام قانونی بسیار کندتر است.»

را‌حل مقابله با اطلاعات نادرست

این پزشک درباره راه‌حل مقابله با این نوع تبلیغات گفت: «راه‌حل فقط حذف چند صفحه متخلف نیست. نخست، باید میان محتوای آموزشی، تبلیغات تجاری و مداخله درمانی تفاوتی روشن وجود داشته باشد. دوم، صفحات و افرادی که ادعای ارائه خدمات پزشکی، روان‌شناختی، تغذیه‌ای یا درمان اعتیاد دارند، باید به‌گونه‌ای قابل‌راستی‌آزمایی به صلاحیت حرفه‌ای خود متصل باشند.»

او ادامه داد: «تبلیغات تجاری باید به‌صورت شفاف برای مخاطب مشخص کند که این یک تبلیغ پولی است و چه شخص یا شرکتی هزینه آن را پرداخت کرده است. همچنین ادعاهای پزشکی نباید صرفاً به‌دلیل استفاده از واژه‌هایی مانند «علمی»، «تخصصی» و «تحقیقات نشان داده‌اند» یا نمایش رویوش سفید معتبر تلقی شوند. هر ادعای پزشکی باید در منابع معتبر علمی قابل‌بررسی باشد.» صادقی تأکید کرد: «پلتفرم‌ها نمی‌توانند مسئولیت خود را صرفاً به کاربر محدود (بون) فضای شبکه اجتماعی محدود کنند. الگوریتمی که یک محتوا را به میلیون‌ها نفر پیشنهاد می‌کند، عملاً در میزان دسترسی مخاطب به آن محتوا نقش دارد و بنابراین باید سازوکارهای مؤثرتری برای شناسایی محتوای پرخطر سلامت داشته باشد. سازمان جهانی بهداشت نیز بر همکاری با پلتفرم‌های اجتماعی برای افزایش دسترسی به منابع معتبر و مقابله با اطلاعات نادرست تأکید کرده است.»

او با تأکید بر مسئولیت جامعه پزشکی و علمی در این حوزه گفت: «اگر متخصصان معتبر فضای شبکه‌های اجتماعی را کاملاً رها کنند، طبیعتی است که فضای خالی را کسانی پر کنند که ممکن است مهارت بیشتری در تولید محتوای جذاب داشته باشند، اما الزاماً دانش و صلاحیت کافی برای ارائه توصیه سلامت ندارند. امروز یکی از مهم‌ترین وظایف پزشکان و متخصصان فقط درمان بیمار در مطب و بیمارستان نیست؛ مبارزه با اطلاعات نادرست سلامت نیز بخشی از مسئولیت اجتماعی حرفه پزشکی است.»

به گفته صادقی، مردم حق دارند بدانند محتوایی که درباره سلامت خود می‌بینند، از سوی چه کسی تولید شده، بر چه شواهدی استوار است و آیا تبلیغ است یا آموزش؛ «همچنین باید این اصل را جدی بگیریم که در سلامت عمومی، تعداد فالوئر نباید جایگزین صلاحیت علمی شود و جذابیت تبلیغ نباید جایگزین شواهد پزشکی باشد.»

نویت دوم

سازمان ثبت اسناد و املاک

کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک

استان تهران

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه سه

برابر ربا شماره ۹۷/۸۵۰۰۰۹۷/۸۴۰۴۰۰۰۰ مورخه ۱۳۹۰/۰۶/۰۴

۱۴۰۴/۰۶/۰۴ در هيات موضوع قانون تعيين تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی استقرار در واحد ثبتی منطقه سه ساری

تصفی مالکانه آقای محمدرضا منصوری فرزند مرجععلی بشماره ۹۷/۸۶۰۶۳/۰۰۰۰۰۰ بشماره پرونده ۹۷/۸۴۰۰۰۰۰۰

نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۳/۲ (سیصد و دو) مترمربع قسمتی از پلاک ۲۲ اصلی واقع در بخش ۲۹ ثبت ساری قریه رستک خریداری از هادی عظیمی رستکی محرز گردیده است.

کم‌آبی و فعالیت‌های معدنی؛ چالش‌های «پارک ملی توران»

معاون محیط طبیعی و تنوع زیستی «اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان»، خشکسالی‌های متوالی، کاهش منابع آبی و همچنین وجود معدن، فعالیت‌های معدنی و تخریب زیستگاه راز چالش‌های جدی و نگرانی‌های اصلی محیط‌زیست در پارک ملی توران دانست.

«مهدی زارع خورمیزی» گفت: «کمبود آب و برداشت‌های بی‌رویه از منابع زیرزمینی، حیات‌وحش را با فشار جدی مواجه کرده است. در همین راستا، لایروبی و مرمت چشمه‌ها، بازسازی آبشخورها، آبرسانی در روزهای گرم سال، برنامه‌ریزی برای خرید سهم آب و مدیریت دقیق منابع آبی، ازجمله اقدامات انجام‌شده برای کاهش اثرات خشکسالی است».

او گفت: «مجموعه حفاظتی توران با بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار وسعت، یکی از ارزشمندترین زیستگاه‌های طبیعی ایران است؛ منطقه‌ای که از یوزپلنگ آسیایی و گوز ایرانی تا زاغ بزر و پلنگ ایرانی را در خود جای داده‌است».

او با اشاره به فعالیت‌های معدنی در محدوده پارک ملی توران گفت: «فعالیت‌های معدنی در حاشیه و داخل منطقه، یکی از تهدیدهای روبه رشد محسوب می‌شود؛ چراکه عملیات حفاری، انفجار ایجاد جاده‌های دسترسی و آلودگی منابع آب، خاک و هوا موجب تخریب و تکه‌تکه شدن زیستگاه می‌شود.»

معاون محیط طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان افزود: «برخورد با فعالیت‌های معدنی غیرمجاز و پیگیری موضوع از طریق دستگاه‌های مسئول، در دستور کار اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان قرار دارد.»

زارع خورمیزی نقش جوامع محلی را در حفاظت از مناطق طبیعی بسیار مهم دانست و گفت: «بدون همراهی مردم محلی، حفاظت از زیستگاه‌های گسترده‌ای مانند توران امکان‌پذیر نیست.» او از برنامه‌های افزایش مشارکت جوامع محلی، استفاده از ظرفیت نیروهای بومی و توسعه همکاری‌ها برای کاهش تعارضات میان انسان و حیات‌وحش خبر داد. معاون محیط طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان، درعین‌حال یکی دیگر از مشکلات اساسی حفاظت از مناطق تحت مدیریت استان را کمبود نیروی محیط‌بان عنوان کرد و گفت: «تعداد محیط‌بانان موجود کمتر از استانداردهای مورد نیاز است و این موضوع، توان پایش، کنترل تخلّلات و مقابله با شکار و صید غیرمجاز را کاهش می‌دهد.» زارع خورمیزی ادامه داد: «افزایش حفاظت فیزیکی، استفاده از نیروهای شتریان و یوزبان، آزادسازی چند هزار هکتار از مراتع هسته توران از حضور دام، احیای مناطق آسیب‌دیده با کاشت گیاهان بومی و برگزاری نشست‌های مستمر با دستگاه‌های مرتبط، از دیگر اقدامات انجام‌شده برای حفاظت از این منطقه است.» او با تأکید بر اهمیت حفظ تنوع زیستی استان گفت: «مجموعه حفاظتی توران با گونه‌های ارزشمندی که در خود جای داده، تنها یک منطقه محلی نیست، بلکه سرمایه‌ای ملی و ویتترین محیط‌زیست کشور است.» معاون محیط طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان خاطرنشان کرد: «حفاظت از این میراث طبیعی نیازمند همکاری همه دستگاه‌ها، جوامع محلی و شهروندان است و انتظار می‌رود مردم با رعایت قوانین زیست‌محیطی، در حفظ این سرمایه ارزشمند نقش آفرینی کنند.» پارک ملی توران یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین زیستگاه‌های حیات‌وحش ایران و جهان و از جاذبه‌های طبیعی استان سمنان است. این منطقه کوری با وسعت چشمگیر زیستگاه گونه‌های ارزشمند جانوری و دارای مناظر کویری است. پارک ملی توران که با نام «ذخیره‌گاه زیست‌کره توران» نیز شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین و بکرترین زیستگاه‌های حیات‌وحش ایران است. این منطقه در جنوب‌شرقی استان سمنان، در محدوده شهرستان شاهرود و بخش‌هایی از بیارجمند قرار دارد و به همین دلیل، از آن با عنوان پارک ملی توران شاهرود یا پارک ملی توران سمنان نیز یاد می‌کنند.
ا پسنا

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
 حوزه ثبت ملک شفت روزنامه	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون ق ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۲۷۹۵هـ.ش/۱۸۸۰هـ.ش مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصورات مالکانه پلمعارض متقاضی آقای علیرضایی ریاکار فرزند حبیب اله شماره شناسنامه ۷۳۴۵ صادره از صومعه‌سرا در شش‌دانگ یک قطعه زمین زرایی به مساحت ۲۶۵/۸۰ مترمربع می‌باشد. به شماره پلاک ثبتی فرعی ۱۹۷ مجزی شده از پلاک ۵۱ و غیره فرعی واقع در قریع بجایرس سنگ اصلی ۵۹ بخش ۱۲۱ نفر خریداری از مالکیت رسمی محمد قربانی گردیده‌است.	
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، درخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت عدم مدت مذکور عدم وصول اعتراض و یا عدم ارائه گواهی تقدیم بادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۷	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۲	
نعمت‌دوقی	
رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت	
از طرف ابودرزین پورحسن کیاده	
شناسه آگهی: ۲۲۶۲۲۷۸/۰۰ الف/۹۹۱	



حفاظتگاه مشارکتی یوزکنام

روایتی از یک حفاظتگاه مشارکتی که می‌خواهد خارج از الگوی سنتی از مهم‌ترین گونه حیات‌وحش ایران حفاظت کند

حفاظت از یوز، بیرون از قاب دولت

دبیر «انجمن صنفی حفاظتگاه‌های خصوصی»: حفاظت از یوزکنام به این معنا نیست که ما مطالبه‌گری مان را برای حفاظت از سایر زیستگاه‌ها، به‌ویژه پارک ملی توران، کنار می‌گذاریم

رد لاستیک ماشین و موتور قرق‌بانان هر محدوده را ۱۰ روز بیمه می‌کند. این را «احمد عجمی» می‌گوید؛ مردی با ۳۰ سال سابقه محیط‌بانی که مدتی نیز ریاست «پارک ملی توران» را بر عهده داشت. او این روزها سرپرستی قرق‌بانان «حفاظتگاه مشارکتی یوزکنام» را بر عهده دارد. شیوه کار او در این منطقه با توران فرق دارد. در این حفاظتگاه مشارکتی، گشت‌زنی‌ها بدون سلاح و با نیروهایی انجام می‌شود که اغلب‌شان در گذشته شکارچی بوده‌اند.



چین‌هایی که روی صورت «احمد عجمی» نشسته، نتیجه دهه‌ها حفاظت درپارک ملی توران است. آن قدر در این منطقه گشت زده و مراقب یوزها، گورخرها، آهوها و سایر گونه‌های جانوری بوده که متر به مترش را خوب بلد است. وقتی پس از ۳۰ سال مهر بازنشستگی روی پیرونده‌اش خورده، ترجیحش نشستن در خانه نبود. به حفاظتگاه مشارکتی یوزکنام پیوست تا به شکلی دیگر از این گونه در معرض خطر انقراض حفاظت کند؛ با امن کردن محدوده‌ای ۴۵ هزار هکتاری در شمال پارک ملی توران و جنوب دو پناهگاه حیات‌وحش «میان‌دشت» و «خوش‌بیلاق». در این محدوده، یک ایستگاه پایش و گشت به نام «کلانه عبدال» داریم و دو یوزبانی به نام‌های «صادق‌آباد» و «چشمه‌بسیار».

پناهگاه حیات‌وحش میان‌دشت با ۶۹ هزار هکتار و پناهگاه حیات‌وحش خوش‌بیلاق با ۱۵۰ هزار هکتار با بودجه دولتی حفاظت می‌شوند. در مقابل، یوزکنام که بیش از دو برابر این دو پناهگاه مساحت دارد، باید هزینه‌های خود را خارج از سیستم «سازمان حفاظت محیط‌زیست» تأمین کند. چرا این عرصه وسیع حدود نیم‌میلیون هکتاری انتخاب شد؟ «احمد ابوالقاسمی»، دبیر انجمن صنفی حفاظتگاه‌های خصوصی و مدیر حفاظتگاه مشارکتی یوزکنام، می‌گوید آنها می‌توانستند بخش‌های محدودتری از منطقه، مثلاً یک عرصه ۱۰۰ هزار هکتاری را انتخاب کنند. در این عرصه کوچک‌تر، آنها به منابع مالی و نیروی انسانی کمتری نیاز داشتند و حداقل ۵۰ درصد

سال با سلاح حفاظت کرده، حالا باید این شیوه جدید را امتحان کند. اگر او روزی می‌توانست جلوی ماشین‌هایی را که وارد منطقه می‌شدند بگیرد، حالا باید بخش مهمی از کارش را با گفت‌وگو پیش ببرد: «بارها اتفاق افتاده که در تعامل با مردم شنیده‌ام که قسم خورده‌اند شکار را کنار می‌گذارند.»

راه دیگر آنها گشت‌زنی‌های مستمر است. شکارچی غیرمجاز وقتی رد لاستیک ماشین و موتور یا آثار حضور قرق‌بان‌ها را می‌بیند، از آن محدوده دور می‌شود. پس از گشت‌زنی، چه روز باشد و چه شب، قرق‌بان‌ها در بیابان یا ساختمان حفاظتگاه دور هم می‌نشینند و از تجربه‌هایشان می‌گویند. آموزش در خلال همین گفت‌وگوها انجام می‌شود یا هر وقت که هنگام پایش، گونه‌ای از حیات‌وحش را ببینند. عجمی می‌گوید: «از آنها یک بار پرسیدم چطور کبک ماده و نر را از هم تشخیص می‌دهید و از خلال صحبت‌ها، آموزش دادم.»

حفاظت بدون اسلحه موضوعی است که ابوالقاسمی بر آن تأکید دارد: «هنر ما این است که از تخلف پیشگیری کنیم یا متخلف را به سمت حفاظت سوق دهیم.» به گفته او، اگر بخش خصوصی بخواهد شیوه حفاظتی مشابه دولت داشته باشد، طبیعی است که با امکانات محدودتر کارایی کمتری خواهد داشت. حتی به فرض داشتن امکانات، تقابل جامعه و محیط‌زیست از تبعات حفاظت فیزیکی صرف است که در این دهه‌ها جان‌های زیادی را از هر دو سو گرفته است و یوزکنام قصد دارد در این زمینه هم مدل جدیدی را معرفی کند.

حفاظتگاه مشارکتی به جای قرق اختصاصی

سابقه قانونی حفاظت غیردولتی در ایران به دهه ۳۰ برمی‌گردد، اما در سال ۱۳۹۵، در جلسه «شورای عالی حفاظت محیط‌زیست»، ضوابط، حقوق و تکالیف دارندگان قرق‌های اختصاصی تصویب و برای اجرا ابلاغ شد. آن زمان به پنج محدوده خارج از مناطق چهارگانه محیط‌زیست، در قالب قرق اختصاصی، پروانه فعالیت داده شد. در این یک دهه، تعداد قرق‌ها در مناطق مختلف افزایش یافته، اما به گفته ابوالقاسمی، منطق این قرق‌ها همچنان با بهره‌برداری از حیات‌وحش گره خورده است؛ رویه‌ای که یوزکنام با آن فاصله می‌دهد. در قرق منصورآباد رفسنجان، اوضاع کمی متفاوت است و یک سازمان مردم‌نهاد محلی مدیریت آن را بر عهده دارد. با این حال، همچنان درآمدزایی عموماً به شکار محدود شده‌است.

یوزکنام الگوی جدیدی از حفاظت است. در این محدوده، سازمان حفاظت محیط‌زیست، ادارات کل و استانداری‌هایی که در این محدوده قرار دارند، باید در انجام هر اقدامی هماهنگ باشند. ادارات کل منابع طبیعی و میراث فرهنگی و گردشگری هم قرار است پای کار بیایند؛ همچنان‌که صنایع و معادن داخل و خارج منطقه، به این ترتیب، تفاوت دیگر این مدل در شیوه تأمین هزینه‌های حفاظت است. منبع درآمد یوزکنام بهره‌برداری از حیات‌وحش نیست، بلکه منابعی مانند

حفاظتگاه مشارکتی» ثبت شد.

روز اولی که محدوده یوزکنام در اختیار انجمن صنفی کارفرمایی حفاظتگاه‌های خصوصی قرار گرفت، به گفته عجمی، این محدوده تنها ۷۰ س‌م‌دار داشت، اما او در این ماه‌ها بارها جمعیت‌های ۷۰ و «اتایی آنها را دیده‌است. سرشماری سال ۱۴۰۴ هم نشان می‌دهد که ۴۲۸ فرد س‌م‌دار، شامل ۳۲۱ قوچ و میش و ۱۰۷ آهو، در این منطقه حضور دارند. حضور طعمه کافی، در کنار امنیت و وسعت بالای زیستگاه، می‌تواند یکی از عوامل مهم در ماندگاری یوز در این محدوده باشد.

حفاظت بدون اسلحه

عرصه ۴۵۰ هزار هکتاری یوزکنام با ۹ نیرو، یعنی هشت قرق‌بان و یک سرپرست منطقه، حفاظت می‌شود. به این ترتیب، به‌طور متوسط سهم هر نیرو برای حفاظت حدود ۵۰ هزار هکتار است. این ۹ نیرو برخلاف محیط‌بانان حق به‌کارگیری سلاح را ندارند و حتی ضابط قضایی هم نیستند. احمد عجمی که ۳۰

گردشگری، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و مشارکت صنایع و معادن در تأمین هزینه‌های حفاظت نقش دارند.

زیستگاهی بانبوه معادن

روی تپه‌ای در یوزکنام که بایستید و نگاهی به اطراف بیندازید، آنچه بیش از همه توجه را جلب می‌کند، کوه‌های ازبخت‌افتاده اطراف به‌واسطه برداشت صاحبان معادن است. براساس دستورالعمل‌ها و قوانین، معادن باید الزامات محیط‌زیستی را رعایت کنند، اما آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، تخریب آب و خاک و رهاشدن آنها پس از برداشت از عرصه‌است. هم در یوزکنام و هم در سایر عرصه‌های منابع طبیعی، برای معادن بیشتری مجوز اکتشاف صادر شده است که هنوز مجوز بهره‌برداری دریافت نکرده‌اند.

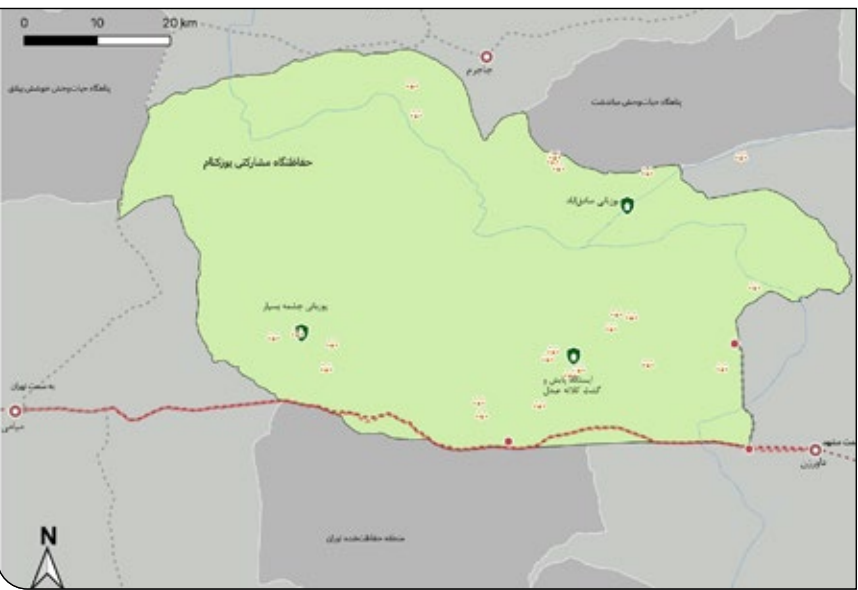
حرف ابوالقاسمی این است که معادن، جداز صرفه اقتصادی، باید به مسئولیت خود در قبال محیط‌زیست هم پایبند باشند. این موضوع به‌ویژه درباره انبوه معدن‌های کوچک مصداق دارد که در مقابل حجم بالای آسیب‌شان به طبیعت ایران، حتی آورده اقتصادی قابل‌توجهی هم ندارند. او می‌گوید: «زمانی که معادن، شرکت‌ها و صنایعی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، بنا به مسئولیت اجتماعی و رسیدن به پایداری سرزمینی در حفاظت از یوز دخیل شوند، آنگاه می‌توان گفت که ما به اشکال دیگری از مشارکت در حفاظت در یوزکنام دست یافته‌ایم.»

یوزکنام؛ یک حلقه از زنجیره حفاظت از یوز

در سال‌های اخیر، زیستگاه‌ها و حفاظتگران یوز با چالش‌های متعدد مواجه بوده‌اند. گروهی از آنها ۹ سال پیش با پرونده قضایی سنگینی مواجه شدند و در ادامه، ورود سایر حفاظتگران به زیستگاه‌های یوز ممنوع شد. آنچه حالا از پایش یوز باقی مانده، گشت‌زنی‌های محدود محیط‌بانان و تصاویر پرکننده دوربین‌های تله‌ای است. در این شرایط، اگر یک گروه غیردولتی بتواند بخشی از خلأ حفاظت را پر کند، آیا دولت ممکن است مسئولیت خود را در زیستگاه‌های دیگر کمتر جدی بگیرد؟ این یک نگرانی جدی است و ابوالقاسمی هم آن را می‌پذیرد: «حفاظت از یوزکنام به این معنا نیست که ما مطالبه‌گری مان را برای حفاظت از سایر زیستگاه‌ها، به‌ویژه پارک ملی توران، کنار می‌گذاریم.»

موضوعی که او بر آن تأکید دارد، هماهنگی اقدامات در زیستگاه‌های یوز است؛ مأموریتی که قرار بود کمیته ملی این گونه در سازمان حفاظت محیط‌زیست بر عهده بگیرد، اما از همان زمان تشکیل، به‌واسطه فشارهای بیرونی و ضعف در بدنه سازمان، با چالش‌های متعدد در انجام مأموریتش مواجه شد.

به گفته ابوالقاسمی، یوزکنام قرار نیست جایگزین پارک ملی توران، پناهگاه حیات‌وحش میان‌دشت یا پناهگاه حیات‌وحش خوش‌بیلاق باشد. در مقابل، این محدوده قرار است یک حلقه به زنجیره حفاظت از یوز اضافه کند؛ حلقه‌ای که دولت، بخش خصوصی، جوامع محلی و صنایع را کنار هم قرار می‌دهد. اما این حلقه چقدر می‌تواند خلأهای حفاظت را پر کند و آیا می‌تواند بدون کم‌رنگ شدن مسئولیت دولت، به الگویی برای حفاظت از دیگر زیستگاه‌ها تبدیل شود؟



نقشه مشاهدات یوز در حفاظتگاه مشارکتی یوزکنام

یکی از آنها می‌گفت حتی در خطبه‌های نماز جمعه، مردم را به انجام ندادن صید جل تشویق می‌کنند، اما وقتی صیادان محلی می‌بینند قایق‌هایی از روستاها و مناطق دیگر بدون نظارت کافی می‌آیند، حرف آنها این است که «چرا ما نکنیم؟»

در چنین شرایطی، مسئله فقط تخلف یک صیاد نیست؛ مسئله از بین رفتن انگیزه برای رعایت قواعدی است که قرار است منابع مشترک را حفظ کنند. صیادان به فعالیت دیگری هم اشاره می‌کنند: صید عروس دریایی. یکی از آنها از حضور افرادی از کشورهای هند و پاکستان می‌گوید که عروس دریایی را صید می‌کنند و برای چین می‌فرستند. این موضوع هم فعالیت و اثرات احتمالی آن بر اکوسیستم است. نیازمند بررسی دقیق درباره میزان برداشت، شیوه حفاظت از صیادان، یکی از آنها فقط یک عدد نیست؛ بخشی از تجربه هند و پاکستان می‌گوید که عروس دریایی را صید می‌کنند و برای چین می‌فرستند. این موضوع هم فعالیت و اثرات احتمالی آن بر اکوسیستم است.

این فشار به برداشت بی‌رویه از منابعی منجر شود که در نهایت، خود زندگی همین مردم به آن وابسته است. اگر برداشت و صید در این اکوسیستم مدیریت نشود، کاهش ذخایر آبزیان و تخریب زیستگاه‌هایی مثل حرا، در نهایت گریبان همان جوامع محلی را می‌گیرد. حفاظت از حرا فقط حفاظت در درختان حاشیه دریا نیست. حفاظت از حرا، حفاظت از دریا، منابع غذایی و در نهایت آینده مردمی است که نسل‌ها زندگی‌شان را در کنار آن ساخته‌اند.

ساحل‌نشینان؛ میان معیشت و حفاظت از دریا

نگران‌کننده است، افزایش فشار بر منابع دریایی، به‌ویژه در سواحل شمالی قشم و محدوده جنگل‌های حراست. اکوسیستم جنگل‌های حرا برای بسیاری از آبزیان نقش زیستگاه، پناهگاه و محل تغذیه و رشد دارد و سلامت این آبزیان مستقیماً به وضعیت منابع دریایی و زندگی جوامع محلی گره خورده است.

به گفته صیادان محلی، با افزایش خطرات فعالیت در سواحل جنوبی و محدود شدن برخی فعالیت‌های دریایی، فشار بیشتری بر سواحل شمالی و حرا وارد شده است. صیاد چاره دیگری ندارند. وقتی بخش مهمی از راه‌های درآمدی محدود می‌شود، دریا همچنان یکی از معدود منابع باقی‌مانده برای گذران زندگی است.

یکی از صیادانی که با او حرف زدم، می‌گفت خیلی از مردم این منطقه در فقر زندگی می‌کنند و نمی‌شود به‌سادگی آنها را بابت افزایش فشار بر دریا سرزنش کرد. به عقیده او، «مردم راه دیگری برای درآمد ندارند.» اما هم‌زمان با این فشار اقتصادی، بسیاری از صیادان قدیمی از تغییر وضعیت دریا و شیوه صید هم نگران‌اند. صیادی با حدود بیست سال سابقه، از زمانی می‌گفت که به اعتقاد او صید در منطقه «اخلاقی‌تر» بود. صیادان بیشتر به‌صورت جمعی می‌رفتند و حتی در اسکله اعلام می‌کردند قرار است در کدام صید صید کنند. فصل صید و اندازه ماهی اهمیت داشت و ماهی‌های کوچک را نمی‌گرفتند تا فرصت رشد داشته باشند.

او می‌گوید امروز این شیوه عوض شده است. هر کس به‌صورت شخصی توره‌ای نایلونی می‌اندازد و در مواردی، برداشت از زیستگاه بیش از ظرفیتی است که بتواند خود را بازسازی کند.

صیاد دیگری خاطره‌ای از حدود بیست سال پیش تعریف کرد. آن زمان، یکی از نیروهای محیط‌زیست برای هشدار



جزیره قشم برای بیشتر ما فقط نقطه‌ای روی نقشه نیست. جزیره‌ای است با مناظر شگفت‌انگیز، مردم مهمان‌نواز و دریایی که همیشه بخش مهمی از هویت این منطقه بوده است.

اما جنگ و سایه‌اش در یک سال اخیر فشار سنگینی بر مردم و محیط‌زیست این جزیره وارد کرده است؛ آسیب‌هایی که بعضی از آنها ممکن است جبران‌ناپذیر باشند.

از آلودگی نفتی و تعطیلی کسب‌وکارها گرفته تا نگرانی‌های امنیتی زندگی در مرز دریایی. اگر در مرکز ایران، مردم روزهایی را، هرچند کوتاه، در آرامش نسبی پس از جنگ سپری کرده‌اند، برای ساکنان حاشیه تنگه هرمز این ماه‌ها با ترس و بلا تکلیفی درباره امنیت، زندگی و معیشت همراه بوده است.

تبعات جنگ بسیار گسترده‌تر از چیزی است که از دور دیده می‌شود. آنچه بر مردم جنوب گذشته، برای کسی که در نقاط دیگر کشور زندگی می‌کند، شاید هیچ‌وقت به‌طور کامل ملموس نباشد.

یکی از نمونه‌هایش آلودگی نفتی است. بخش‌هایی از سواحل قشم درگیر آلودگی شدند، اما درباره منشأ آن پاسخ روشنی داده نشد. برای مدیریت چنین بحرانی، نه نیروی کافی وجود داشت و نه آمادگی لازم. نگرانی‌ها فقط درباره سلامت مردم نبود؛ آسیب به اکوسیستم‌های حساس ساحلی و دریایی منطقه هم جدی بود. در کنار این موضوع، چیزی که در ماه‌های اخیر

